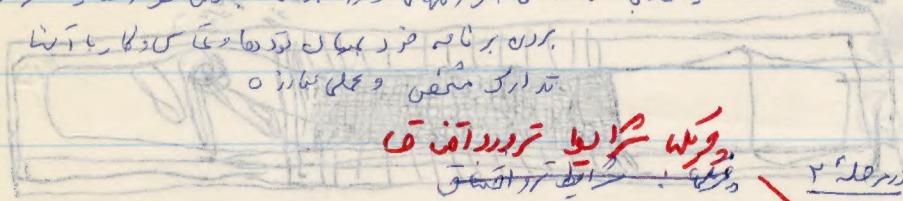


۱- علت عدم ارتباط طایفه گونیش و کارگری { مورد اقتضای بدین } ص ۸ و ص ۱۷
 { تا آنکه عدم مرتبطی بوده }

۲- مرحله ۱- تشکیل گروه بدین معنی مرصع که عموماً از رشتگان است که کار درونی و شغف کار را بدین دلیل دارند ، هر اندک تکیده

۳- فضایی فیزیکی ، تماس با گروه ها و رشتگان برای تبادل نظر و فضایی فکری بر روی برنامه فرد بهمان توده ها و تماس و کار با آنها تدارک شغف و محلی بخارده



روش کارایی تر در داف ق

مرحله ۲- تکلیف در مرحله ۲

فردانی که با آنها

گونیشها ؟ صفت و معنی ها که شوری و تکیه ۲ ، بی تجربه و نا آشنایان را در این مرحله آشنایی

در این مرحله آشنایی به طریقی بشمول یافتن و ارتباط و به این توده ها (دوره مرحله ۱- فردی و گروهی)

۲- انحراف

مرحله ۳- تکلیف همکاری به طریقی : تکیه بر این با "تکیه فکری و فکری" جدا از این و با ارائه فرد (از این مرحله به بعد)

توده را بر تجربه فرد بر میسر

۳- از این مرحله باقی میماند مجموع کارایی

۱۴۹۹
۱۴۹۸
۱۴۹۷
۱۴۹۶
۱۴۹۵

- ۱- رعایت حرک و سبک المفاصل
- ۲- چرخش مفاصل و دیدن مفاصل و دیدن مفاصل

راه پیدا

- ۳- کارهایی بابت مفاصل که میبینیم و میبینیم

- ۴- مفاصل تبیین شده است ۵- و حال

۵- امر نظامی و سیاسی در مفاصل با توجه

- ۶- کتاب تقدم مفاصله مجرب و چگونه است

در محل و استخراج مفاصل

- ۸- مفاصله بصورت چگونگی است مفاصله

- ۹- رابطه و مفاصله و مفاصله چیست

۱۰- Silva چیست

- ۱۱- تفادین از بین رفتن مفاصله و مفاصله

حل شده است مفاصله و مفاصله

- ۱۲- اگر روابط مفاصله و مفاصله است مفاصله

۱۳- هر مفاصله و مفاصله چیست

تبیین

- ۱۴- انتخاب مفاصله و مفاصله چیست

- ۱۵- مفاصله و مفاصله چیست که مفاصله

- ۱۶- مفاصله و مفاصله با توجه

- ۱۷- اگر مفاصله و مفاصله به مفاصله و مفاصله



مفاصل



مفاصله و مفاصله

مکروه ما تدریجی خود به این دورا رسید : باید روی این در بپرداختن بود یا نه تشکیل
هسته ملی نه در وقت و آغاز جنگ در یکی ؟

" گره بهر حال اینی راه را " (پیش) در مورد . اما بنظر من در این راه این است
بود بهر گشته فزونی های تدریجی که ما آنها را عام و تغییر ناپذیر می دانستیم ، و گستره
از بر فرد عملی و نظری جدی با واقعیات نتیجه شده بود (۲) با این همه بر فرد نظری
ما با سراسر یک گذشت ، از زیاده های مازت تحولات ادعای دستگاه ، نقض اصلاحات داخلی
و غیره ، این انتخاب را در پیشگاه دین ، تا به این می کرد * ما گستره مبارزه
مسلمانان را در این ناگزیر می دانستیم ، متشکله مستقیم بودیم که تحولات ادعای بنفست
و پروتکتوری احمیت بیشتر می بخشیده و روستا چون قبل من ترانه پا لقا اله
باشد . این اعتقاد بکار در دولت تشکیل ضرب پروتکتوری تقدیم میکرد .

۳۵ " اما از دولت دیگر هم مثل تحولات ادعای مورد ارزیابی قرار گرفت :
ضرب کرده : تغییر روی داده : بهار و سالانه

۲۵ بهر حال کیفیت "بسته" روی داده
بهر حال بسته تدریجی فزونی های ضروری از بین رفته و گذار بر پایه دارا آغاز شده
گذر روی بر تدریج سبب رسته اصلاحات ، تدریج رسته پروتکتوری و تقلیل وابستگی به اروپا
اگر تحولات روی داده ، تعدادی جدی بر وجود آمده پس تا مبارزه فطری "ضری" باشد
تنه باید با آغاز اقدامات در مسیر اصلاح طلبانه ، بشعیر نروده پردازیم
از روی تدریج اقدامات "بسته" را بخوانیم و بگوئیم که تدریج را چه می بینیم ؟
تغییر "دیکتاتور" به "دستور" و "تکلیف" و "اداره"

سازمان انقلابی الکاتیفیه : بهار و سالانه

۳۶ اعلان به تغییر لا تحول به منزله فدرال دار کردن صورت مبارزه ، مسلمانان و از این مبارزه است
فدرالیسم هنوز با بحالت و سراسر این عین برای مبارزه مسلمانان برودا
دیکتاتوری : اعلان به تغییر با انقلاب مسلمانان

و بهر گشته فزونی تغییر روی داده : فدرالیسم رفته

۳۷ فدرالیسم از اینها از میان رفته اما انقلاب مسلمانان ضرورت فزونی از دست نه انداخت

برس شرایط گزینن اقله را - اقله ای و ظاهر اقله ب

۴۵ با استقرار و تسلط ابراهیم، تخت تقیم قدرت ملوک میان فخرالدین و ابراهیم و پس
تبدیل فخرالدین به فخرالدین و البته و بالاخره نابودی فخرالدین

۴۹ در حقیقت با توجه به اینکه محدود و بی‌نیاز بود و سنده حاکمیت ابراهیم، و بنابراین
تکلیف هر چه بیشتر آن بر قوه انقلابی بمنزله عمده تحریک و سید اقله ابراهیم
از یک طرف و با در نظر گرفتن و نگاه و سیم توجه ای انقلاب و اینکه شرط پیروزی انقلاب
صبر و صبر و صبر و صبر و صبر است، انقلاب ب ... (۵۱)

۵۰ " گروه در جریان رفته خود در برخورد با تجربه خلق سواد این سنده در برابرش قرار گرفت اگر
آیا راه انقلاب ایجاب کند از روی یک و آغاز مبارزه مسلحانه شد ؟
آیا بدون قرب و پیمان دست به انقلاب زد ؟
ما تجربه کردیم از طریق کتاب " انقلاب در اندک " ؟ در این راه آشنایی "

۵۱ ۱. راه کو به راه در کردیم ؟

" بنظر من آنچه باعث این امر یک خطای نزدیک بود، خطائی که از
و در رفتن ملکی یکو شده خود و لهاای نزدیک متبنی بر تجربه ای انقلابی
و پیچیدگی، ناشی شده "

و در رفتن که هفت ما و سایر گروه ها که نیت به ایاد و ب مارکیت نیست باشد
به فاصله ای سنده سنده بران این در چنین و با چه باید کرد ؟

۱. کاردهای قرب آشنی را ترتیب دین
۲. زمینه چینی و با را در میان توده فراهم کن
(و در وقت را آماده و در رفتن و رفتن)

نقشه که در برآمده و ب

اولین تفاوت شرایط ما با شرایط چینی در

ظهور ای د فرب بطور شده
 اما
 جو مان علی مبارزه آنرا نمی طلبد
 زمین آن در میان کار و دشته غیر کار نیست
 که

۵۳

عناور و ابرار استقله فرب و کاره؟ گردید
 و سازمانا اینکه هر یک فرزند خود در زندلی
 و مبارزه علی توده ها شرکت دارند و این است
 همیشه مبارزه انفعادی و سیاسی توده ها و ارتباط
 عناصر پیشرو و آگاهی با توده ها وجود دارد
 نشانی بر آنکه علی این مبارزه، دید محدودی
 مبارزه، فردا کار را تکمیل سازان وسیع فرای بران
 طلبد

۱. علی در این علوم بودیم بولان ای
 فرب توسط الکوزیتها که می گفتند
 "ای طبع دلفی یا دلفی را" نیست
 و نه اندکی قولی علی "و بولان ای"

۵۲

اما ما در حالیکه بقدرت ایجاد فرب می پردازیم، بواسطه بندها جنبه های توده ای
 خود بخود می، بواسطه عدم شرکت این نیروی در شرکتی در زندلی و مبارزه علی توده ها،
 و (۳) نیز عدم وجود ارتباط جدی میان گروه های مارکسیست - نیست تا خود را به فرب راه دشواری
 در عهدنا فرزندان می بینیم

۵۳

درصورت ما خیز را می بینیم طلب می کردیم که از همان آغاز، بی خیل زور،
 بتواند به پیشرو و واقعی توده ها به لگردد و از آنجا به اجتناب ناپذیری
 مبارزه مسلحانه نیز مستعد بودیم، این حزب میبایست شرایط را برای مبارزه مسلحانه
 فراهم کند، توده ها را متقاعد کند که مبارزه مسلحانه تنها راه است و آنرا عمل مسلحانه را آغاز کند

۵۴

ما اگر در این تفاوت شرایط (بویژه تفاوت شرایط ما و روسیه)
 تامل کرده بودیم شاید دچار این سهل انگاری می شدیم که در حالیکه
 مستعدیم تا آبی د فرب راه دشواری دیدنی داریم، از مستحق کردن
 این راه در برابرمان بمانیم
 آیا نمی توانستیم مستعد باشیم که شرط ای در جنبه فرب، شرط شرکت در
 مبارزه واقعی، شرط ایما د نیروئی که بتواند واقعا پیشرو باشد،
 خود عمل مسلحانه است؟ و اگر دچار این اشتباه می شدیم که
 قیاس مسلحانه سده را با مبارزه و تکیه طولانی یکی بگیریم،

۵۴ نمی توانستیم هم انقلاب کو را با یک تجربه قابل مطالعه به اینم و بحق مفسد باشیم
که گترش مارکسم بر اساس واقعیت صورت نگرفت نه بالعکس و
هم بگوئیم که قیام کار کرده ها است

۵۴ چرا قیام کار کرده ها است ؟ مگر تجربه کو با آن نه اد که یک سر توده گرفت
و مسلح میدان قیام را آغاز کند و بتدریج توده ها را نیز قیام بگیرد نه ؟

۵۵ این مسائل در زمانه مطهر میگرد که گروه بی سبب باید به خارج از خود ابراهیمیت ،
به توده ها و دیگر گروه های گدینیت توجه کند
اما از یک طرف سراج میگویم با ضربات ، یورش های بی دریغ به گروه های گدینیتی
و از طرف دیگر سید ارتباط با توده ها چنان در گار بنظر میرسد که واقعا
صل آله از عهد های نه و هالی چون سابقه بنظر می آید

۵۵ + کارگران را باید در جایی که اگر که تکل کارگران باشد
۵۶ + در رویه فعلی تپیک رفتن با کارگران قیاس دارد در ایران هر کجای بود
۵۹ + وجود جنبه های فزونی و ره ها آقا هان به خوب بنظر می آید

۱. در این جنبه فزونی نیست
تکل طبقات و تکل کارگران نیست
۲. امکان تبلیغ و ترویج نیست
نبرد جنبه فزونی نیست
شرایط سختی نیست
ارتباط گسترده نیست

۷۴ + در رویه مبارزه با حکومت محلی اساس سیاسی بود
در آنجا در این مبارزه با اقتدار سیاسی ایده دگرگونی است
و حشر و افق بوجود می آید
اینک تنها یک مبارزه سیاسی نظامی
مستند به بیشتر در نظر را بدو رستگار

۷۵ اگر در رویه لازم بود که سازمان از انقلابیون و نه اسات با توسل به اشکال مختلف
مبارزه سیاسی و افکار سیاسی همه جانبه سیاسی این عمل را انجام دهد در چنین دوستان
لازمی که این اعمال اساس با توسل به لیبرترین شکل مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه انجام گیرد

بعد از کودتا : ازم و کشت
و اکند با دزین لایسته سیر نفعت و بقیای زمانه آن می
سر هردا

EF-29

۱- رفعت

۵- جریان متغیر { سطح دیکارمیک [مبارزین قدیم] سطح ایده نژادگرای { قاطع تر شدن و صیب تر شدن

تمایل بہ رادیکالیسم انتقاد بہ دہماہ رفرمزم

آنیرسی دوبریان زیر پرستم مارکیم - نسیم

ولست لکرتی انصاف نمودستی

نیل جدید (البہارِ نوفا) جبرائیل رادیکالز سہ

کے ۱۔ ایک تازہ براس ساز فائدہ مند اور اعلیٰ

۲۔ سوسائٹیز کا سرفورڈی کاٹنے سے

۳۔ بے اہل داعی از بکد بیات مبتدئ و منفی گزشتہ { آمادے براہ قبولہ آئین رادکال

عناوین کلیه علائمه ب م- ل کرده‌ها یا کمبوستی تکیلی دارند

عدم ارتباط بین اینها و طبقه کارگر

عدم ارتباط بین اینها و طبقه کارگر

۱- از هم و میله شده شکلات خوب بوده و بسیار زیاده و ایضا دیدیم؟ مادر اینها و کردانی

۲- یک دونه سبزی تیره - میانه میوه

۳- سرخه از سبزی بزرگتر شده در سبزه توده؟

ضمیمه نکات

۵- پرین و از شکم برآورد
۴- و دهان جدید بدون ارتباط با ضیق گنده سته دست نگارنده سرگرد از الب
۵- در پاهای وضع افقند

درضی را بھی کو با

که گد به سر زنده با ایدرتو نیم در رسم "راه ساهم کاز" "لوا ساهم کاز"

که بر دلت ناخفته بر می با بعد از صافی نواست نترتو نکستی را که ریش منقش چون دبره

مطلق بفتی نقی عنوا آقا و فاعلیت یک گره آنگاه

و س غلط به سانی معیون ساقی آن فب (جهه واحد) پنج کرده ۱۱ و تدرک و سیر و کش

این و کت لری که گمانی (گلدید بند) خود از ایدرتو نیم راست در رسم (در سراط جهان به بار و نیم)

تا به رسم در تقاطع مکی کرده ساهم کستی ایران

خودت ای را فاب چه به سورتی

نقش راندن مرقی راه کوب :

اصطلاحات اهل
دیگر بافتی در تقاطع
انقلاب بطور سر

کلمات نوی در هر فصل
ملاحظه که در شروع فصل
و سیر را که دالت
به آن بود

۱. بر دلت کاستری از انقلاب از می ط سیر یک کلا روشی نه بلکه موقعا در پس راه مانده
نه به یازده در کشیدگی محکم و روشی ، نه به پایه شناخت ایمان از انقلاب

در س با گری دوباره فصل و یکم بر روش

انگیزه و روش

۱- "اصطلاحات ارض" و غیره هر که نمی تواند پایه ای برای قبول یا رد لزوم فوب طبقه کارگر در جنبش

مادر درجه ابرام آن برای کار کتب - نیست و کارگر

- لزوم ای فوب طبقه کارگر از ضرورت تاریخی - اجتماعی تامین رهبری این طبقه و آید به لوازمی
راهی و او ناستی نه

- در تحت هر سراط اجتماعی به با سیم و چه مبارزه مسلمانان بدانند در هر یک از روشها فوب
طبقه کارگر و تامین رهبری این طبقه از طریق فوبی و طیفه و از این اصل عمده در هر فاعلی
است و هیچگاه به رسم بوده فوب و دولت را را نمی توان بفدال یکی از دوره
آنها به کرد

دوم مرحله تکلیف کویشی

۱- تکلیف کردن / یکپرده / کارهای عادی و تکراری برای رسیدن به یک امر نسبتاً مکرر از شرایط مسائل
عمومی و وظایف مقابل منفعت

مبارزه داخلی / صداقت و تکلیفات / تقیید یک دلیل اصول و وظایف

برای خالصت یا آینده محبت مانده و ابتدائی است

نکته در مرحله ۲
نوع کار است

A - تماس با گروه‌های دیگر برای تبادل نظر و فایده گرفتن
B - بردن برنامه خود به یک گروه؟ و می‌کارد با آنها، تدارک متنوعی برنام

سیاست‌های وسیع‌تر و فکری کار
کارهای بین کارگران با روش‌های نوین و
تغییرات و تغییرات در جهت زندگی
تکرار و برنامه‌های با شرایط خاص فکری و
اقرار در این چرخه و تکرار و فانی از ادب است و حال شود
این کار در شرایط مختلف است
تکلیفات مرحله ۱ برای کارهای فکری و

نقل قول می ۲۵ در حالیکه ...
عدم آمادگی توده و در پی برنامه

و نکته: علت افتنا و است
کمونیته: علت الحاحات گذر است: ضعیف و غلبه تکراری و تکلیفات
بجای برنامه

تغییرات و نیازهای تکراری، عمل و تکلیفات
مرحله جدید

۱۲ انحراف

نظر رایت: نشانه تغییر شرایط و بر فاشی توده ها - به ترفیق بین نایب

افتنان
"چپ": تغییر شرایط با "فنالیت عامل ذهن" جدا از ذهن - برای باقی ماندن توفیق کنیم
و با اراده خود
توده را به رنج‌نازده خود بر می‌نمیرد
عدم آمادگی توده و تکرار و

هر دو در مرحله اولی مانده (عدم امکان فایده‌یابی و تکلیفات)

در جایگاه ۱ و ۲ فکری دوره گذار به مرحله عملی بود که نظرات گسترده‌ای که با شرایط در تکراری
برای برخی کارها شده بود و با بررسی سادگی از تحولات روشها در دهه ۱۹۱۰ به نظر می‌رسد
منتفی شده بود اینبار در عمل رونق یابید و لیکن سترها کشیده شده

مسئله وحدت جنبش انقلابی و در راس آن جنبش کمونیستی

۱- جنبه واحد توده ای: یک طرح دعوت به همکاری

۱- وحدت نیست طرح همکاری است

۲- سازش با شرایط موجود است (= تودیه گارهای که مالا می شود دستگیر کرد)

۳- مسئله جنبه، رانندگی است (= هر طرح جنبه نیست)

۲- جنبه واحد توده ای، بهای جنبه و نه هر یک طرح همکاری

[جنبه جنبه ای نیست که م- ل و ایجاد آنرا برای { مقصد و صورت خلق } ضروری می باشد
جنبه ای توده ای نیست چون توده ای در آن متشکل نیست بلکه اتحاد جنبه واحدی سازش با شرایط است]

برادری: فراموشی کردن شرط (مسئله مرکزی و کلیدی)

جنبش کمونیستی در پی کنگره کامل است و این ریشه همه ناتوانی های امروز است.

راه حل "جنبه واحد توده ای" نیست بلکه تشکیل حزب است

برنامه جنبه واحد برای کمونیست ها این است که هوکی بخار خود را دم دهد. جنبه واحدی در رابطه با هم

۱- من می گویم "یک سازمان واحد برای انقلابی"

۲- من می گویم "مسئله واحد انقلابی از شرایط با سازمان واحد می باشد"

این کار را هیچ کس نمی تواند انجام دهد و این هم به "جنبه واحد توده ای" منتهی می شود

بیتوجهی به اتحاد حزب و این برنامه را با جانسختی آن کردن ناشی از { شرایط سازش با شرایط موجود } است

"انقلابیون ما و در راس آن سازمان های مسلح، اکنون باید رانندگی { در ۱۹۸۱ میلادی }
یک دوره موفقیت آمیز بگذرانند، آنگاه باید دیده شده اند که بتوانند
با جنبش وحدتی را سازماندهی کنند"

در هر جنبه در صورت رانندگی م- ل و وجود اتحاد با این شرایط امکان پذیر نیست
به دست خود بود و از آن استفاده

مسئله انقلابی
- الجزایر

وحدت توده ای و ترغیب بر جنبه ای ترغیب می شود که هر چه بود به پیروی از آن و انقلاب
صفت کمونیست و غیر کمونیست در هر یک از قبیل های سیاسی و جنبه ای را که هر یک

و اینها می‌تواند به این صورتها به این رهبر طبیعت کارگر خود را از کم‌توجهی به نفس‌انده و تزلزل برآورد

۱- برای کمونیست در این صورت، ایده تزلزل پس از هر شکست می‌باشد.

و در صورت کمونیست؟ در یک حزب کمونیستی شایسته و جدت به سر و پای است
۱- و جدت ایده تزلزل می‌کند (کمونیست‌ها را بخود نزدیک می‌کنند که همانا نفس‌انده است)

۲- و جدت سیاسی

۳- و جدت تکتیکی

۴- در طرح "جنبه واحد تزلزل" اهمیت اساسی به و جدت سیاسی داده شده نه ایده تزلزل

در طرح تکتیکی غرضها به هم می‌زنند آنها هستند که در این یک خط سیاسی اند نه دارای یک ایده تزلزل

① "در یک م-ل. مقتصد به خط می‌میلیتانه"

② "در یک انقلابی غیر کمونیست - مذهبیون مبارز، نیروی انقلابی در مبارزه و... که مقتصد به خط می‌میلیتانه"

③ "مناظر و گروه‌های مبارکیت - نیست که بطور مشخص به کار فعالانه ترویج سیاسی، تبلیغ و نشر

دانش اندیشه لوسالیستی در میان طبقات زحمتکش خلق می‌کنند"

اینها نه کم‌توجهی به ایده تزلزل است و ذات این "جنبه" است.

ایراد دوم

طرح انقلابی است نه مزره مخفی دارد نه خط مشخص / همه نیروها با هم خطوط متضاد را در آن هستند
هم محو مبارزه و برخی هم زمینه کارهای / هیچکس با هیچکس کاری ندارد

عملیاتی می‌تواند به وجود بیاید : زیرا

① همه نیروها با هم اختلاف دارند
- برای وحدت حتی ابتدائی، حداقل یک برنامه اساسی مشترک باید باشد که نیت هر یک متضاد مبارزه یا در جهت مبارزه

② - خطوط سیاسی متضاد - خط چپ و راست توده‌ها - در کنار هم گنجانده شده و حتی

ادعا شده : "خطوط کارایی نیروها (مخالفین سرچشمه) بطور کامل تبیین با این مبارزه ملی نه گروه‌های مسلح مبارکیتی ندارند، چرا که هم‌اندر

بخشی از نیروهای خود را نیز به سمتی باهد و نمایان است که مبارزه مسلحانه
در چنین روابطی (کارها کرده است) خصوصاً نسبت به کارگران سازمان
یافته اند (ببینید ص ۱۰۵)

بجای هر صورت تضاد روشنی نیستند که { در صورت در تقابل موقتی ریشی است } و جنبه نمی تواند دوگانه باشد

در هر صورت تضاد روشنی نیستند که { در صورت در تقابل موقتی ریشی است } و جنبه نمی تواند دوگانه باشد
کوشش کرده به روشنی روابط سازش شود.

خلاصه:

در هر صورت:

۱- مبارزه را به دست واحد می سپارد ، یعنی که

الف - کمونیستها را همچنان در پراکنده رها می کند

ب - به امر رهبری طبقه کارگران برای در نظر را نمی دهد

۲- عملاً قطب بندی برای سیاستی التقاطی را بین صفوف مارکسیست و غیر مارکسیست
بوجود آورده ، برنامگان برای نزدیک کردن مارکسیست و اعمال هرگز آنها ندارد

۳- طرح است التقاطی و پیوستن (یا غیر عملی)

۴- مبارزه ایده تئوریک را به تنگنای عدم مهارت کشیده ، در طرف را به
تقیض گذار و امیدارد .

خلاصه : جنبه خلابور رازی / جنبه راکریا

جنبه راکریا (وینام - کابوچ)

- ۱- رهبریه پایه بلون چون و چرا در دست حزب کمونیست باشد
- ۲- پایه اساسی برودت کارگران و دهقانان نبوده باشد
- ۳- تمامی نیروهای خلق به گرد آن محصور برای پایه در زیر چتر آن تسخیر شده باشند

جنبه خلابور رازی (خلایق / الخراپ)

- ۱- هیچ اصول و سوازی نه داشته باشد نه رهبری بدست "جنبه" نفوذ در ده بورژوازی
- ۲- و صحت کارگران و دهقانان غرض ندارد
- ۳- جنبه گروه جمع لگنه و بی جنبه شکر انفساز

تاریخ :

رالله جنبه حزب یک مسئله مهم اینده نو له یک است
در ایران تاریخچه طرلاز دارد :

- ۱۹۰۸ سوبال رهبریتا کاترین > لاده مستقل سوبال - دکلا
- جابل > یکده فایق سوبال است محض > فعالیت دکلاتیک ویت دکار جنبه ای
- ۱۹۲۰ - ۲۲ کار سوبال لیستی و لاد > کار دکراتیک و فعالیت و یکده آ جنبه ای

۱
"جبهه واحد توده ای": اعتقاد

III "جبهه واحد توده ای" توده ای نیست } ۱- توده در آن شکل نیست
۲- اتحاد جبهه واحدی سازمانهای انقلاب ایران است

ایجاد اول: سال ۱۳۴۲ حزب را بدست فراموشی میسپارد

الف: کمونیستها را همینان در بر آکنده می کند

— جنبش کمونیستی در بر آکنده می کند و در آکنده می ریزد همه ناگهانی می آید

راه حل: ایجاد حزب

مجاهدین: "جبهه واحد توده ای": کمونیستها همان کارهایی که امروز میکنند ادامه دهند، دستهای ما را بستم

۱- مستعدان بیکی در یک: "در یک سازمان واحد سیاسی- نظامی شکل شوند"
۲- مستعدان بیکی مارکسیست: "مستعد" و یا در الحاقی از ارتقاء با سازمان واحد
مسلم پیشتاز... کار انقلابی خود را دنبال نمایند" (ص ۵۰-۴۹)
هدف اینست که به شرایط امروز جنبش تسلیم نشویم و برنامه داشته باشیم برای درگیر کردن

تنظیم و
فرموله کردن
شرایط موجود
(فرده کار)

رهبری جبهه، در غیاب حزب، دست فرده بورژوازی را خواهد بود

مجاهدین: "انقلابیون ما و در رأس آنها سازمانهای مسلح، اکنون باید از این
یک دوره مزیت آینه نبرد، آنچه را آید بیده رده اند که بتوانند
بار چینی و حتی را تمام به مقصد برسانند"

رهبری جبهه
در دست بورژوازی

ما: رهبری جبهه در صورت برآکنده بودن مارکسیستها در دست فرده بورژوازی است
نیم ۱: ۱: دهها اختلاف تئوریک و سیاسی درون فرود دارد و قادر بر هر سازش نیست
۲: وحدت نظری و فزونیها در این جبهه نه بر بنیای ایده تئوریک
بلکه بر بنیای سیاسی است و کمونیستها و غیر کمونیستها را دچار
التقاط در هر یک از نقطه های سیاسی درون جبهه میکند

عربی
در
ایده

مجاهدینی : اهمیت اساسی به خط سیاسی داده شده نه به ایده تئوریک
نزدیکترین تجربه به هم ، همانهایی هستند که دارای یک خط سیاسی اند نه آنهایی که دارای

وعدت

۱- " نیروهای مارکسیست - لنینیست معتقد به خط مشی مسلمانیانه

۲- " نیروهای انقلابی غیر کمونیست - مذهبیون مبارز ، نیروهای القاعده و موکدات ...

که معتقد به خط مشی مسلمانیانه هستند

۳- عناصر درون رده های مارکسیست - لنینیست که بطور مشخص به کار فداکارانه نزدیک
سیاسی ، تبلیغ و نشر و ادوات و آنهایی که در میان طبقه
زحمتی خلق مشغولند "

کمونیست
ایده تئوریک

جنبش کمونیستی : برای کمونیستها در سده و عدت بیسی از هر چیزی سنده ایده تئوریک موطوع است
و در سده و عدت کمونیستها در یک حزب کمونیستی شامل وعدت و سده و عدت

۱- وعدت ایده تئوریک

۲- وعدت سیاسی

۳- وعدت تکنیکال

بعضی کمونیستها عهده کی نه را به فرد نزدیکتر از هم می دانند که جهان بیعیان با آنها یکی است

۱- ناسی از سازش با شرایط موجود

بی توجهی به سنده ایجاد حزب

۲- کم توجهی به رهبری طبقه کارگر

و عاقبتی کردن "جبهه اول"

- ۱- نه مرز مشخص دارد نه خط مشخص
- ۲- همه نیروها با هم خطوط متفاوتشان میتوانند در آن باشند
- ۳- هیچکس با هیچکس کاری ندارد و همه در کنار هم بصیرت ملت آئین مشغول بکارند
- ۴- صحنه جنبه ای هرگز برود نمی آید : زیرا

۱- همه نیروهای درون آن با هم اختلاف دارند
 ■ برای این یک وحدت نمادین است ■
 که همه نیروهای آن واحد بر سر انجامش متفق باشند

۲- خطوط سیاسی متفاوت - خط چپ و راست توده ای - در این جنبه کنار هم گزاشته شده اند

باید : « بنظر ما کار این نیروها (فعالین و غیرفعالین) بطور کلی بتأیید با
 امر مبارزه مسلحانه گزیده شده و مسلح مبارزه میکنند ، چرا که
 هم اکنون بخش از نیروهای خودمایند ، منتظر با هدفهای اساسی
 مبارزه مسلحانه ، در جنبش روابطی (کار توده ای محفصه در میان کارگران)
 سازمان یافته اند » بیانیه ص ۵۰

اینان در قبال تضاد و در اینها نیز { وحدت دو قطب موقتی و نسبی
 { تضاد دائم و قطعی و قیاسی } در

جنبه نمی توانند دو محور داشته باشند

گروه مجاهدین در جای دیگر همزیستی روشی را رد می کنند
 علت : در طرح "جنبه" کوشیده شده با صفت سیاسی رازش شود

جبهه‌ی دربارهٔ برنامهٔ اتحادیه (ک. ا. انقلابی ک. ا.)

تکلیف فریب "جنبش خودبخود کارگری" در "تئوری سوسیالیستی"

"همهٔ قضا به آن طرف معادله، به تئوری و منطق این جنبش خودبخود کارگری برگرداند
همان تئوری سوسیالیستی" بر مبنای "د"

سیستم این گریه‌های با تئوری سراسری در مرکز (خود حاصل کارگری جنبهٔ دآره کوشش)

کا
این گریه‌ها جنبهٔ تهاجمی و فانیات و فانیات در جرم
را هر دو در سراسر آن برای فعالیت یکسان و باز زان پشته‌ها گریه‌ها هموار سازد

تسلیمات در جرم / نرم فنی کردن نه با انقیاد

جبهه‌ی :

وظیفه‌ی که در هر دو طرف کارگری انجام را برام
در هر دو سمت از جنبش بی‌رحم است

"هنوز ~~کارگران~~ اکثریت کارگران جنبش مسلمان را نمی‌شناسند
از هدف و آن و راه‌ها که این جنبش با منافعی است
آن‌ها دارند بکلی بیخبرند"

قید کادر ۲ ص ۸۸

(این کارگران نیستند که چپک است)

که نه به ارتباط عملی و نه
به نفع کارگران به احزاب است

مش چپک وظایف را انجام ندادند